

Human agency with the emphasis on the role of intention in the individuation of action in the perspective of Transcendental Wisdom

Muhammad Nasri Nasrabadi *

Mahdi Ganjvar **

Sayyed Mahdi Emami Jome***

Abstract

The issue of human agency _ in the sense that human being is possess action; the act which belongs to him and can be attributed to him _, is so important in the humanities that diviation criteria of great currents can be found in its given role. In other words, human knowledges, first of all, requires the recondition of an acting human being, and since a human being is an agent, actor and phenomenon-creating, is the subject of humanities. But describing a human being as an “agent” and considering his “agency” is completely dependent on our explanation of what “action” and agency are. The present work, with a wisdom approach and based on fundamentals of Transcendental Wisdom, firstly explains the truth of intention by referring to two completely related headings and philosophical keywords, means “ultimate cause” and “free will”, and follow their role on action and finally, it shows intention as the first ever voluntary act in the chain of principles of human voluntary actions on the one hand,

* PhD student of Transcendental Wisdom, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

mnnasrabadi73@gmail.com

** Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).

m.ganjvar@ltr.ui.ac.ir

*** Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

m.emami@ltr.ui.ac.ir

<https://doi.org/10.22099/jrt.2023.48145.2918>

Date of Receive: 2023/08/27

Date of Accept: 2023/10/01

and also the ultimate cause of his action on the other hand, by determining the quality of the connection and voluntary union of the agent with the layers of his applied self, It forms the entire identity and the individuation of action and therefore human agency in terms of quality and quantity is tied to his intention to perform an action.

Keywords: Intention, Human agency, Individuation of action, Transcendent Wisdom, Practical Wisdom.

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه

محمد نصری نصرآبادی* مهدی گنجور** سیدمهدی امامی جمعه***

چکیده

مسئله‌ی عاملیت انسان به این معنا که انسان، واجد عمل است؛ عملی که از آن اوست و می‌توان آن را به وی انتساب داد، در علوم انسانی چنان پراهمیت است که می‌توان ملاک تقسیم‌بندی جریان‌های بزرگ علوم انسانی را در نقشی جست‌وجو کرد که به عامل می‌دهند. به بیان دیگر، شناسایی دانش‌های انسانی، قبل از هر چیز، مستلزم شناسایی انسان کنشگر است و انسان از آن حیث که عامل، کنشگر و پدیده‌ساز است، موضوع این علوم قرار می‌گیرد؛ اما توصیف انسان به «عامل» و قائل شدن به «عاملیت» او، در گرو تبیین ما از چیستی و تشخیص «عمل» است. پژوهش حاضر با رویکرد حکمی و براساس آنچه از مبانی حکمت متعالیه برمی‌آید، ابتدا به تبیین حقیقت نیت با توجه به دو سرفصل و کلیدواژه‌ی فلسفی متناظر با آن یعنی «علت غائی» و «اختیار» می‌پردازد و بر همین اساس نقش آن در تشخیص عمل را پی می‌گیرد و در نهایت، نشان می‌دهد نیت به عنوان اولین فعل همواره‌اختیاری در سلسله مبادی افعال اختیاری انسان از طرفی و نیز علت غائی عمل او از طرف دیگر، با معین کردن کیفیت ارتباط و اتحاد مختارانه‌ی عامل با لایه‌های نفس اطلاق‌ی خویش، تمام هویت و تشخیص عمل را شکل می‌دهد و بنابراین عاملیت انسان از لحاظ کم و کیف، با نیت او از انجام عمل گره خورده است.

واژگان کلیدی: نیت، عاملیت انسان، تشخیص عمل، حکمت متعالیه، حکمت عملی.

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. mnasrabadi73@gmail.com

** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل). m.ganjvar@ltr.ui.ac.ir

*** استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت(ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. m.emami@ltr.ui.ac.ir

<https://doi.org/10.22099/jrt.2023.48145.2918>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

۱. طرح مسئله

عاملیت انسان به این معنا که انسان، واجد عمل است؛ عملی که از آن اوست و می‌توان آن را به وی انتساب داد (باقری، ۱۳۹۹، ص ۸۹)، در علوم انسانی آن چنان اهمیتی دارد که می‌توان ملاک تقسیم‌بندی جریان‌های بزرگ علوم انسانی را در نقشی جست‌وجو کرد که به عامل می‌دهند. به بیان دیگر، شناسایی دانش‌های انسانی، قبل از هر چیز، مستلزم شناسایی انسان کنشگر است و انسان از آن حیث که عامل و کنشگر و پدیده‌ساز است، موضوع این علوم قرار می‌گیرد (حسنی، موسوی، ۱۳۹۸، ص ۴۱۹).

این مسئله، علی‌رغم بداهت ظاهری، دارای ابهامات متعددی است. یکی از جهات ابهام که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود این است که به لحاظ فلسفی، عاملیت انسان نسبت به کدام‌یک از افعال او صدق حقیقی دارد و به عبارت دیگر، انتساب چه عملی به او موجه است و می‌توان او را عامل آن دانست؟ پاسخ این مسئله در گرو تبیین هویت عمل انسانی است. حقیقت عمل انسانی چیست که آن را از سایر حرکات و افعال متمایز می‌کند؟ نقش نیت، قصد و انگیزه‌ی عامل در پاسخ به این مسئله چیست؟ براساس آنچه از مبانی حکمت متعالیه برمی‌آید چه پاسخی می‌توان داد؟

واژه‌ی «نیت» که در لغت عرب، مصدر و اسم مصدر از ماده‌ی «نوی» و به معنای قصد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۹)، توجه (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۶) و عزم (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۵۱۶) است، برای فعلی جوانحی و قلبی به‌عنوان مرحله‌ای میان تصور صرف بدون ترجیح و عمل به کار می‌رود. اهمیت فی‌الجمله‌ی نیت انسان از انجام یک رفتار، بر کسی پوشیده نیست و قضاوت‌های مختلف نسبت به عاملان یک عمل یکسان به حسب تفاوت نیت ایشان، چه در عرف و چه در نظام‌های متنوع اخلاقی و حقوقی، مؤیدی بر همین مطلب است. تکرار بسیار مفهوم نیت و مشابه‌های آن از جمله قصد و عزم و اراده در متون اسلامی اعم از قرآنی (برای نمونه: البقره، آیات ۲۲۷ و ۲۳۵؛ الروم، آیه ۳۹)، روایی (برای نمونه: برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۶۲-۲۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۸۵-۸۴)، اخلاقی و عرفانی نیز نشانگر نقش کلیدی و پررنگ آن در شبکه‌ی مفهومی این متون است. امروزه نیز بحث از نیت به عنوان یکی از مبادی افعال اختیاری انسان در شاخه‌هایی همچون فلسفه‌ی عمل، فلسفه‌ی ذهن، فلسفه‌ی علوم انسانی، فلسفه‌ی اخلاق و نیز روان‌شناسی اخلاق (تحت عنوان نظریه‌ی تصمیم‌گیری) پیگیری می‌شود (ذاکری، ۱۳۹۴، صص ۳-۴؛ ص ۱۹۷) و تأثیر عوامل داخلی و خارجی بر روی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با وجود بحث‌های فراوان درباب چیستی و اهمیت نیت و انگیزه‌ها در علوم پیش‌گفته و حتی سایر علوم انسانی همچون ادبیات و جامعه‌شناسی و حقوق، هنوز ابعاد مختلفی از آن مورد تبیین حکمی قرار نگرفته است. یکی از این ابعاد، نقش نیت در هویت عمل است. امروزه

یکی از مباحث چالشی مطرح در فلسفه‌ی عمل، مسئله‌ی تشخیص عمل است: آیا هنگامی که عامل، حرکتی انجام می‌دهد که متصف به توصیفات مختلف می‌شود، یک عمل وجود دارد که توصیفات مختلفی پذیرفته است یا اساساً به تعداد توصیفات، اعمال مختلفی وجود دارد؟ (ذاکری، ۱۳۹۴، ص ۵۴). اشکالات وارد بر نظریات مختلف در این مسئله نشان می‌دهد که تعریف و تحدید عمل، برخلاف آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، نیاز به تدقیق و تحقیق بیشتری دارد.

در نوشتار حاضر، تلاش بر این است که براساس آنچه از مبانی حکمت متعالیه برمی‌آید، با تبیین حقیقت نیت و نقش آن در تشخیص عمل، تحلیلی از عاملیت انسان ارائه شود.

۲. مفهوم‌شناسی

نیت: قصد اکید قلبی آگاهانه و مختارانه برای عمل است که بر سایر انگیزه‌های مزاحم ترجیح داده شده و منجر به اقدام عامل به شروع انجام عمل است و به بیان دیگر فعل نفسانی و قلبی میان مرحله‌ی تصور صرف بدون ترجیح و عمل که به عنوان حلقه‌ی واسط میان نظر و عمل، دارای دو وجهه‌ی بینشی و گرایشی است (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۲۰۰؛ ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۲۱؛ ۱۳۶۳، ب، ص ۱۵۴؛ صص ۲۱۵-۲۱۴؛ ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۵).

قلب: نفس ناطقه را به اعتبار دگرگونی‌اش در مرتبه‌ای متوسط میان نشئه‌ی بدن و قوای جسمانی و نشئه‌ی روح و قوای روحانی، قلب می‌گویند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۱۸) که از حیث شرافت و کمال، انتهای جسمانیات و ابتدای روحانیات است و جامع میان این دو وجهه است (همان، ج ۴، ص ۲۹۵).

حکمت متعالیه: نظامی فلسفی که ملاصدرا بنا نهاد و شامل دوره‌ای کامل از فلسفه در مباحث ال‌هیات عام و خاص و علم‌النفس است. وجه تمایز آن با سایر نظام‌ها را می‌توان تکیه‌ی اکید بر مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت در حل بسیاری از مسائل فلسفی دانست (عبودیت، ۱۳۹۲، ص ۷۰).

اصالت وجود: اساس و مینا و قطب تمام مبانی حکمت متعالیه (ملاصدرا، ۱۳۶۳ الف، ص ۴) و همسایه‌ی بلافصل گزاره‌ی اول فیلسوف (اصل واقعیت) و بلکه تفسیر دقیق‌تر آن است. به بیان دیگر، با عبور از مرز سفسطه و پذیرش وجود واقعیت، اولین مسئله‌ی فلسفی که با آن مواجهیم شناخت بیشتر واقعیت با تنها سرمایه‌ی موجود (همان وجود واقعیت) است. اصالت وجود در تقریر مختار، عبارت است از یکه‌بودن واقعیت و نه تکه‌تکه‌بودن آن (طباطبائی، ۱۳۹۲، ص ۱۶؛ انشائی، ۱۳۹۶، صص ۱۲-۵). با پذیرش این اصل، نظام وحدت و کثرت از ساختار ماهوی آن به نظام تشکیکی و در نهایت به وحدت شخصی و تشکیک در ظهورات ارتقاء می‌یابد (طباطبائی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۷۲).

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۲۱

وحدت اطلاق: بیان رساتر و تعبیر گویاترِ وحدت حقه و نیز وحدت شخصی وجود است. توضیح آنکه پس از پذیرش اصل واقعیت، اولین محمول واقعیت، وحدت اطلاق است و این، نکته‌ای است که با تأمل در مفاد اصالت وجود حاصل می‌شود. در واقع متعلق اصالت در اصالت وجود، وجود مطلق و لابشرط حتی از قید اطلاق است که منحصر به شیء خاصی نیست و از همین رو وحدتی اطلاق، سریانی، منبسط، شامل و سعه‌مند دارد (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۳۸۱؛ ج ۲، ص ۲۹۲؛ صص ۳۰۸-۳۱۰؛ ج ۶، ص ۲۲؛ ص ۱۱۷؛ ج ۷، ص ۱۵۸؛ ۱۳۶۰، صص ۳۶-۳۷؛ بی تا، ص ۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۰؛ ۱۳۹۶، ص ۵۹؛ ص ۶۱؛ انشائی، ۱۳۹۶، صص ۵-۱۲؛ ۱۳۹۹، ص ۷۸).

من علوی: بخش اصیل‌تر وجود انسان و واقعیت ملکوتی او (مطهری، ۱۳۶۳، صص ۲۰۷-۲۰۹) و به تعبیر دیگر، من مطلق، که برخلاف من‌های مقید، من واقعی و اصیل و وجه اشتراک همه‌ی حالات من است (انشائی، معصومی، ۱۳۹۵، صص ۳۳-۳۹) و به تعبیر حکمی دقیق‌تر، تقرر و تحقق نفس انسان در مقام وجود مطلق یا همان مسبب الاسباب که واجد تمام کمالات اطوار مختلف نفس و در واقع، واجد حقیقت همه‌ی آنهاست را تحقق علوی نفس و به عبارت دیگر، من علوی می‌نامیم (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۸، صص ۳۴۶-۳۴۷؛ ۱۳۶۳ب، ص ۵۳۶؛ انشائی، جوادی، ۱۳۹۹، ص ۷۵؛ ص ۸۶).

۳. پیشینه‌ی پژوهش

بنابر جست‌وجوی بسیاری که صورت پذیرفت، پژوهش‌هایی به صورت خاص، عاملیت انسان و اصول تربیتی منتج از آن در فلسفه‌ی صدرالمتألهین بر مبنای نظریه‌ی اسلامی عمل (احمدآبادی آرائی و دیگران، ۱۴۰۰) و عاملیت انسان با رویکردی دینی و فلسفی (باقری، ۱۳۹۹) را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی دیگر به تبیین فلسفی حقیقت نیت و نقش آن در تکامل اخلاقی انسان با توجه به آیات و روایات (حسنی و دیگران، ۱۴۰۱)، بررسی نقش تفکر و نیت در استكمال نفس انسان از دیدگاه حکمت متعالیه، آیات و روایات (اصنامی فریمانی و دیگران، ۱۴۰۰)، نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر ملاصدرا (ساری عارفی، مسعودی، ۱۳۹۷)، نقش نیت در ارزش اخلاقی (مصباح، ۱۳۹۱) و دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی فعل ارادی از منظر فلسفه عمل (دارائی و دیگران، ۱۳۹۴) پرداخته‌اند. در شماری از آنها نیز به کنش انسانی، معناداری آن و هویت معنایی عمل (یزدان‌پناه، ۱۴۰۱) انسان‌کنش‌شناسی صدرایی (حسنی، موسوی، ۱۳۹۷)، واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه‌ی اسلامی (رفیعی آتانی، ۱۳۹۶) و نیز تحلیل دیدگاه‌های مطرح در مسئله‌ی تشخیص عمل (ذاکری، ۱۳۹۴) پرداخته شده است؛ اما در رابطه با مسئله‌ی پژوهش حاضر، هیچ تحقیق مستقل و نظام‌مندی یافت نشد و تمرکز هیچ‌یک از تحقیقات مذکور، بر تبیین عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل آن هم براساس مبانی برآمده از نظام حکمت متعالیه نیست؛

نیز در هیچ‌یک از آن‌ها تبیین نقش نیت در تشخیص عمل که تأکید پژوهش حاضر بر آن است با توجه به هر سه کلیدواژه‌ی اختیار، علت غائی و من علوی انسانی که بنابر نظر نگارندگان، سرمایه‌های اصلی بحث حکمی حول مسئله‌ی نیت هستند، وجود ندارد.

۴. جایگاه نیت در اندیشه‌ی صدر

نیت چیست؟ جایگاه نیت در وجود انسان و نسبت آن با نیت‌کننده (عامل) چیست؟ تفاوت آن با واژه‌های مشابه و پربسامدتر در عرف عام یا عرف فلاسفه همچون انگیزه، قصد، تصمیم و اراده چیست؟ برای پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها، بایستی جایگاه مفهوم نیت را در میان مفاهیم فلسفی حکمت متعالیه جست‌وجو نمود تا ذهن و زبان متناسب برای بحث حکمی پیرامون آن فراهم شود.

«نیت» در عبارات ملامصدرا به چه معنا است؟ آیا معنای لغوی آن با معنای فلسفی‌اش متفاوت است که در این صورت باید مفهوم ذهنی خود را برای تفکر فلسفی پیرامون آن بازسازی کرد یا نه؟ می‌توان بحث از نیت در آثار ایشان را براساس ترتیب تاریخی تألیف آن‌ها (عبودیت: ۱۳۹۲، صص ۳۲-۳۶) چنین سامان داد:

۱. او در *اسفار*، مبادی مترتبه‌ی حرکت ارادی را فکر و تخیل، شوق، اراده‌ی مسما به اجماع و قوه‌ی محرکه می‌داند (۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۲۵۱) و در مواضعی دیگر، به‌جای مرحله‌ی فکر و تخیل، دو مرحله‌ی تصور و تصدیق به فائده را ذکر می‌کند (همان، ج ۴، ص ۱۱۴؛ ج ۶، صص ۳۵۴-۳۵۵). نیز در بیانی، مبادی را علم (تصور و تصدیق به فائده)، اراده و عزم، شوق و سپس میل در اعضاء برمی‌شمارد (همان، ج ۶، ص ۳۴۲).

۲. در *المبدأ و المعاد* (۱۳۵۴، ص ۲۳۴)، *شرح الهدایة الأثریة* (۱۴۲۲ق، ص ۱۸۳؛ ص ۲۴۰)، مبادی مترتب حرکات اختیاری را چنین بیان می‌نماید: مبدأ ابعاد حرکت، خیال یا وهم در حیوان و عقل عملی (با واسطه‌ی خیال یا وهم) در انسان و فلک است؛ سپس قوه‌ی شوقیه که رئیس قوه‌های محرکه‌ی فاعلیه است؛ سپس قوه‌ی اراده و کراهت که در فرض تردید در انجام یا ترک فعل، در صورت وجود مرجح، تصمیم بر انجام یکی از طرفین می‌گیرد؛ سپس عزم و اجماع و سپس قوه‌ی فاعله. در *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة* (۱۳۶۰، ص ۱۸۹) همین ترتیب را بدون ذکر مرحله‌ی عزم و اجماع و در موضع دیگری از *شرح الهدایة الأثریة* نیز همان ترتیب جلد دوم اسفار را بیان می‌کند (۱۴۲۲ق، ص ۲۸۳).

۳. ایشان در موضع دیگری از *المبدأ و المعاد* و نیز سه کتاب دیگر یعنی *تفسیر القرآن الکریم*، *مفاتیح الغیب* و *شرح أصول الکافی*، با تحلیل مراحل نفسانی پیش از انجام فعل در خارج، بیان دیگری را در تبیین مبادی فعل اختیاری برمی‌گزینند و نیت را آخرین فعل قلبی از مبادی افعال اختیاری انسان می‌داند که محرک اعضاء در راستای تحقق فعل خارجی است. توضیح آنکه بنابر بیان ایشان، برای انسان از طریق ظاهر یا باطن خویش، خواطری عارض می‌شود

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۲۳

که این خواطر، برانگیزاننده‌ی اراده‌ها و شوق‌های او و پیش از نیت و عزم و اراده هستند. خواطر به عنوان مبدأ افعال، رغبت را برمی‌انگیزد و رغبت، عزم را و عزم، نیت را و نیت، اعضاء را (۱۳۵۴، صص ۱۹۹-۲۰۰؛ ۱۳۶۶، ج ۵ (تفسیر سوره‌ی یس)، صص ۲۲۰-۲۲۱). البته ایشان در موضعی از کتاب *مفاتیح‌الغیب* (۱۳۶۳، ب، ص ۱۵۴) که پس از دو متن ارجاع قبلی نگاشته است و نیز در شرح اصول کافی (۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۵) که پس از هر سه منبع قبلی نگاشته شده است، عزم و نیت را بر یکدیگر عطف نموده و رغبت را برانگیزاننده‌ی هر دو دانسته است و در جای دیگری از *مفاتیح‌الغیب*، ترتیب چهار مبدأ فوق را با مفاهیمی دیگر یعنی حدیث نفس، شهوت یا شوق یا میل طبع، حکم قلب یا اعتقاد و تصمیم عزم یا جزم نیت، هم یا قصد، همت یا نیت ذکر می‌کند و برخلاف افعال و مراحل قبلی، نیت را همواره تحت اختیار انسان و لذا شایسته‌ی مؤاخذه می‌شمارد و رفع مؤاخذه نسبت به مقاصد درونی را ناظر به مراحل قبل از آنکه تحت اختیار نیست می‌داند (۱۳۶۳، ب، صص ۲۱۶-۲۱۴).
 ۴. در تعلیقه بر *شفاء* نیز ترتیب مبادی را شبیه به عبارت جلد ششم اسفار (صص ۳۵۴-۳۵۵) ذکر می‌کند (بی‌تا، صص ۱۶۴-۱۶۵).

مبادی مترتبه فعل اختیاری انسان				صفحه	کتاب و سن تألیف آن
قوه محرکه	اراده، اجماع	شوق	فکر و تخیل		ج ۲ ۲۵۱
			تصویر	تصدیق به فائده	ج ۴ ۱۱۴
					ج ۶ ۳۵۴- ۳۵۵
میل در اعضاء	شوق	اراده و عزم	علم (تصور و تصدیق به فائده)	ج ۶ ۳۴۲	اسفار (پیش از ۴۰ سالگی)
اعضاء	نیت	عزم	رغبت	خاطر	المبدأ والمعاد
					۱۹۹- ۲۰۰
قوه فاعله	عزم و اجماع	قوه اراده و کراهت	قوه شوقیه	عقل عملی	۲۳۴
					۱۸۳ و ۲۴۰
قوه محرکه	اراده، اجماع	شوق	فکر و تخیل		۲۸۳
قوه فاعله	قوه اراده و کراهت	قوه شوقیه	عقل عملی		الشواهد (پس از ۴۰ سالگی) ۱۸۹

۱۲۴ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۳، سری ۳، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۸۸، صص: ۱۱۷-۱۳۹

اعضاء		نیّت	عزم	رغبت	خاطر	۲۲۰- ۲۲۱	تفسیر ج ۵ (۵۰سالگی)
اعضاء		عزم و نیّت				۱۵۴	
عمل بالجارحة	(اراده مجزوم)	تصمیم العزم، جزم النیة، هم، قصد، همه	حکم قلب، اعتقاد	رغبت، شهوت، شوق، میل طبع	خاطر، حدیث نفس	۲۱۴- ۲۱۵	مفاتیح الغیب (۶۰سالگی)
اعضاء		قدرت	عزم و نیّت	رغبت	خاطر	۲۴۵	شرح أصول الکافی ج ۱ (۶۵سالگی)
		تأکد شوق و اجماع (اراده جازمه)	اراده یا شوق حیوانی	تصدیق و اعتقاد عقلی یا وهمی	تصور	۱۶۴- ۱۶۵	تعلیقه بر شفاء (پس از ۶۰ سالگی)

جدول ۱- دسته‌بندی عبارات صدرا درباره‌ی مبادی مترتبه‌ی فعل اختیاری انسان براساس ترتیب تاریخی تألیف آثارشان

با توجه به متأخر بودن کتب مربوط به بیان سوم، از سایر تألیفات (به جز تعلیقه بر شفاء)، می‌توان مبادی فعل اختیاری انسان از نگاه ایشان را چنین دانست:

۱. خاطر: صدرا آن را «أحضر الأسباب الحاضرة فی القلب» (۱۳۶۶، ج ۵، ص ۲۲۰)، «أحضر الأسباب الحاصلة فی القلب/ النفس» (۱۳۵۴، ص ۱۹۹؛ ۱۳۶۳، ص ۱۵۴) یا به تعبیر متأخرتر و دقیق‌تر، «أحضر الآثار» دانسته است (۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۴۵) که بنابر تفسیر ملّاعلی نوری به این معناست که در باب افعال اختیاری، بنابر حکم وجدان، هر سببی از اسباب داخلی و خارجی هرچند بعید باشد، منتهی به آن می‌شود (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۵). مراد از خاطر، امری عارض بر نفس انسان از سنخ تصور، ادراک و علم است که از طریق ورود به نفس از خارج و ظاهر، همچون واردات حواس ظاهر یا از طریق تذکر و یادآوری در باطن نفس حاصل می‌شود و وجه تسمیه‌ی آن این است که پس از آنکه قلب از آن غافل بوده است، بدان خطور می‌کند (ملّاصدرا، ۱۳۵۴، صص ۲۰۰-۱۹۹؛ ۱۳۶۶، ج ۵، صص ۲۲۱-۲۲۰؛ ۱۳۶۳، صص ۱۵۴-۱۵۲؛ ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴۵). از آن، تعبیر به حدیث نفس نیز نموده است؛ چراکه در بیشتر موارد، در اثر حدوث خواطر، انسان به حدیث نفس با خودش می‌پردازد (۱۳۶۳،

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۲۵
ص ۲۱۴). تعبیر فکر و تخیل، تصور، علم (تصور و تصدیق به فائده) و عقل عملی، دیگر تعبیرات
ایشان نسبت به این مرحله است.

۲. رغبت که تعبیر قوه‌ی شوقیه، شهوت، شوق و میل طبع را هم برای آن به کار برده است.
این مرحله و مرحله‌ی قبلی تحت اختیار انسان نیست و لذا استحقاق مؤاخذة نیز ندارد (همان،
ص ۲۱۵).

۳. عزم: اعتقاد و حکم قلب به شایستگی فعل است که اگر انصراف‌دهنده‌ای پیش نیاید موجب
همت و نیت بر فعل می‌شود. این مرحله گاهی تحت اختیار و گاهی غیراختیاری است (همان،
صص ۲۱۴-۲۱۵). تعبیر شوق، اراده، قوه‌ی اراده و کراهت، اجماع و نیت، تعبیرات دیگر ایشان
نسبت به این مرحله است.

۴. نیت: آخرین مبدأ فعل اختیاری که اگر عارض یا مانعی پیش نیاید منجر به اقدام بر عمل
می‌شود. عزم، تصمیم عزم، جزم نیت، هم، قصد، همت، اجماع، تأکد شوق و اراده، دیگر
تعبیرات ایشان از این مرحله است. نکته‌ی مهم اینک او تصریح می‌کند این مرحله برخلاف
تمام مبادی قبل، همواره تحت اختیار انسان است (همان، صص ۲۱۷-۲۱۵).

البته او در *مفاتیح‌الغیب*، در صورت ضعف مبدأ همت، مرحله‌ی پنجمی را نیز می‌افزاید
و آن، تأکد و شدت یافتن همت و نیت و تبدیل آن به اراده‌ی مجزومه در اثر توجه مجدد قلب
به خاطر اول (همان مبدأ اول) و طولانی‌شدن این حدیث نفس است (همان، ص ۲۱۵). نیز
در *شرح اصول کافی*، مبدأ پس از نیت را قدرت می‌داند و قدرت را محرک عضو می‌داند
(۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۴۵).

نکته‌ی مهم آنکه با توجه به ترتب علی مبادی افعال اختیاری انسان بر مبادی علمی، آنچه
بیشترین نقش را در تغییر و به تعبیر دقیق‌تر، تحصیل و تشخیص نیت او دارد، معرفت حقیقی
است و به همین لحاظ اساساً می‌توان نیت را گونه‌ای معرفت دانست (۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۲).
البته طاعات و ریاضات نیز شرط دوام و کمال و ازدیاد معرفت است که در صورت فراوانی و
تکرار می‌توانند نقش قابل توجهی را در این زمینه ایفاء کنند (همان، ج ۱، ص ۴۵۹؛ ج ۲،
صص ۲۰۳-۲۰۴؛ ص ۲۱۵).

جمع‌بندی اینکه چنان‌که ارجاعات ذکرشده نشان می‌دهد، ایشان اولاً فصل مستقلی را
به بحث از نیت اختصاص نداده؛ بلکه ذیل مباحث مختلف، ضمن بیان مبادی افعال اختیاری
انسان و با عباراتی ناهمسان بدان پرداخته است و ثانیاً تلقی و معنای اصطلاحی ویژه‌ای از
نیت، مد نظر نداشته است و تحلیلی که از آن در کتبش ارائه می‌نماید، در واقع تدقیق در
همان معنای متبادر و مرتکز آن در ذهن عرف و تبیین جایگاه آن در سلسله‌ی مبادی افعال
اختیاری و نسبت آن با سایر این مبادی است.

۵. حقیقت نیت در چشم انداز حکمت متعالیه

بحث کردن از نیت، در ضمن مبادی افعال اختیاری (ارادی، قصدی) انسان، هرچند از جهت تبیین جایگاه آن در وجود عامل، بایسته است، اما به هیچ وجه کافی نیست و شایسته است طرح حکمی مفصلی حول آن در انداخته شود؛ چراکه نیت به مثابه امری با وجهه‌ای بینشی و وجهه‌ای گرایشی و به تعبیر دیگر نقطه‌ی تلاقی بینش و گرایش (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۲؛ همو، ۱۳۶۳، ص ۱۵۴؛ ساری عارفی، مسعودی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱) و عامل جهت‌دهنده‌ی به اراده، اساسی‌ترین عنصر در شکل‌گیری کنش انسانی است (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۲۰۴؛ حسنی، موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴) و از آن رو که یگانه فعلی است که به صورت مستقیم و کامل در اختیار فاعل است، «تنها چیزی است که اصالتاً ارزش غیر اخلاقی دارد» (مصباح، ۱۳۹۱، صص ۹۲-۹۳). البته جایگاه آن در سلسله‌ی مبادی افعال نیز هنوز بحث‌برانگیز است. به عبارت دیگر این مسئله که میان نیت و تحرک اعضاء، آیا مبدأ دیگری همچون اراده یا قدرت، چنان‌که در برخی عبارات صدرا بود یا حکم انشائی اعتباری نفس به وجوب و ضرورت فعل، چنان‌که علامه طباطبایی بدان قائل است (طباطبایی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۰-۱۲۲) - نیز در میان است یا نه، پاسخ مورد اتفاق ندارد.

مطلب دیگر اینکه نیت، در حیطه‌ی عقل عملی است؛ چراکه استنباط حکم جزئی عملی و فراهم نمودن زمینه‌ی عملی خاص، برعهده‌ی عقل عملی است (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۲۵۸؛ ۱۳۶۰، ص ۲۰۰؛ ۱۳۶۳، ص ۵۱۵؛ ذاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۳؛ حسنی، موسوی، ۱۳۹۷، صص ۱۲۷-۱۲۸) و نیت به عنوان آخرین مبدأ فعل خارجی، به فعلی که عقل عملی بدان حکم کرده است تعلق می‌گیرد. در اینجا نیز کیفیت تأثیر حکم عقل عملی، مبنی بر خوب یا بدبودن فعلی خاص که از سنخ تصدیق محض و در نتیجه در حوزه‌ی شناختی است، در نفس و برانگیخته شدن نفس از چنین تصدیق خالی از الزامی عملی، نیازمند تحقیق بیشتر است (ذاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۲۵).

نیز اینکه صدرا از طرفی نیت را گونه‌ای معرفت و امری بینشی می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۲) و از طرفی شوق اکید یا اراده، که امری گرایشی هستند (همو، ۱۳۶۳، ص ۱۵۴)، نیازمند بررسی و تدقیق بیشتری در رابطه‌ی بینش و گرایش انسان یا به تعبیری نسبت علم و شوق و اراده‌ی انسان براساس مبانی حکمی او است. توضیح آنکه ایشان اراده را نه تنها در خداوند (برای نمونه ن.ک: ۱۹۸۱م، ج ۳، ص ۳۴۹؛ ج ۶، ص ۱۴۰؛ ص ۳۲۴؛ ص ۳۳۳؛ ۱۳۵۴، ص ۱۳۲، ص ۱۳۵؛ ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۱۹)، بلکه در انسان نیز به علم بازمی‌گردانند (۱۹۸۱م، ج ۴، ص ۱۱۴) و اساساً بنابر مبانی حکمت متعالیه، همه چیز اولاً با وجود و بر سر سفره‌ی آن و در رتبه‌ی دوم، با همسایه‌ی دیواره‌دیوار آن یعنی علم، ثابت و محقق و نیز اثبات و تبیین می‌شود. توضیح آنکه بنابر مبانی اصالت وجود، تفکیک میان وجود

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۲۷

و علم و به تعبیری میان واقعیت و شناخت در سطح وجودشناسی عام بی‌معنا است (انشائی، ۱۳۹۶، ص ۱۸) و نیز تفسیر حقیقت علم به حضور، مساوت آن با وجود را روشن می‌کند. به هر تقدیر چنان‌که از تحلیل مفهومی لغت نیت و نیز تحلیل فلسفی صدرا درباره‌ی آن برمی‌آید که بنابر ارجاعات ذکر شده، براساس همان معنای عرفی و لغوی واژه استوار است، نیت، امری با مختصات ذیل است:

۱. قصد، عزم و همت انجام فعل و نه صرفاً یک خطور ذهنی یا تصمیم سست

۲. فعلی از افعال نفس انسان

۳. قلبی و جوانحی

۴. آخرین فعل قلبی در سلسله مبادی افعال اختیاری او؛ چه فعل خارجی مانند ایستادن و چه درونی مانند تفکر

۵. اولین فعل همواره‌اختیاری در سلسله‌ی مذکور

خلاصه آنکه نیت عمل، قصد اکید قلبی آگاهانه و مختارانه برای عمل است که بر سایر انگیزه‌های مزاحم ترجیح داده شده و منجر به اقدام عامل به شروع انجام عمل است. دو سرفصل و کلیدواژه‌ی حکمی کاملاً مرتبط با «نیت» که در پژوهش درباره‌ی مسائل مرتبط با آن همچون مسائل پیش‌گفته راهگشا هستند، مبحث «علت غائی» و «اختیار» است و فهم حقیقت و جایگاه نیت، بدون تدقیق و تحقیق درباره‌ی این دو میسر نیست. درواقع در میان علل چهارگانه‌ی فعل و نیت، از آن‌رو که در سلسله مبادی افعال اختیاری، اولین مبدأ همواره‌اختیاری است، با مسئله‌ی اختیار پیوند دارد و از آن جهت که با دربرداشتن عنصر اختیار، اولین مبدأ جهت‌دهنده‌ی به فعل و مشخص‌کننده‌ی سمت‌وسو و غایت آن است، با علت غائی آن (ما لأجله الفعل) گره خورده است و به عقیده‌ی ما، سرّ اهمیت فوق‌العاده‌ی آن نیز همین نکته است. در ادامه ضمن تبیین نقش نیت در تشخیص عمل، به بررسی حقیقت نیت با توجه به این دو سرفصل پرداخته می‌شود.

۶. نقش نیت در تشخیص عمل

نیت چه نقشی در تشخیص و هویت عمل دارد؟ عمل با نیت و انگیزه‌ی پشتیبانش چه ارتباطی دارد؟ اصالت وجود به عنوان قطب و پایه‌ی تمام مبانی حکمت متعالیه، در تحلیل این مسئله و پاسخ به آن چه کمکی می‌کند؟ آیا هنگامی که عامل، حرکتی انجام می‌دهد که محتمل نیت مختلفی است، یک عمل وجود دارد با نیت و در نتیجه توصیفات مختلف، یا اساساً به تعداد نیت و توصیفات، اعمال مختلفی وجود دارد؟ برای نمونه وقتی شخصی با ورود فردی دیگر در مجلس سریعاً در مقابل او از جای خود برمی‌خیزد آیا او تنها یک عمل انجام

داده است که عبارت است از ایستادن یا اینکه بسته به نیت او اعمال دیگری همچون رفع خستگی پاها، تکریم، آموزش احترام گذاشتن به دیگران، احداث سنتی حسنه نسبت به اکرام کسی که وارد مجلسی می شود یا... نیز صورت پذیرفته است؟

این بحث یکی از مسائل اصلی فلسفه عمل است که به حوزه‌ی وجودشناسی عمل مربوط می شود و از تمایز عمل از توصیفات مختلف آن بحث می کند. مهم ترین دیدگاه‌ها در این بحث که به بحث تشخیص عمل معروف است را می توان در سه دسته جای داد (ذاکری، ۱۳۹۴، صص ۱۱۴-۵۴):

۱. دیدگاه اقلی: بر اساس این نظر، در مثال فوق تنها یک عمل پایه وجود دارد و بقیه، توصیفات مختلف عمل بر اساس آثار طبیعی و غیرارادی آن است. آنسکم (۱۹۵۷، ص ۴۶)، دیویدسن (۱۹۸۰، ص ۵۹) و هورنزی (۱۹۸۰، ص ۹) از مهم ترین طرفداران این دیدگاه محسوب می شوند.

۲. دیدگاه اکثری: بنابر این دیدگاه، در مثال فوق، عامل علاوه بر ایستادن، بسته به توصیفات مختلف عمل و نیتش، یک یا چند عمل دیگر نیز انجام داده است. نظریه پرداز اصلی این دیدگاه، آلوین گولدمن (۱۹۷۰، صص ۴۳-۲۱؛ ۱۹۷۱، صص ۷۶۹-۷۷۲) است.

۳. دیدگاه میانه: این دیدگاه در راستای پاسخ دادن به اشکالات دو دیدگاه فوق می کوشد نظریه‌ای دقیق تر ارائه کند. دیدگاه روبن (۲۰۰۳، صص ۲۹-۳۴) و جینت (۱۹۹۰، صص ۵۰-۵۱) در این دسته جای دارد.

در سنت فکری اندیشمندان مسلمان، بحث حسن و قبح ذاتی افعال در علم کلام، حسن انقیاد و قبح تجری در اصول فقه و نیز لزوم نیت امتثال امر خداوند برای صحت عبادات در دانش فقه نیز مرتبط با همین مسئله است.

در حدیث امامیه، روایاتی که حشر مردم را نه بر اساس اعمالشان، بلکه بر اساس نیاتشان دانسته است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۰) یا وجه خلود بهشتیان و دوزخیان را نیات ایشان بیان کرده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۵)، عمل واحدی که به حسب نیات متفاوتی صورت پذیرفته است را دارای حقایق وجودی مختلفی می داند؛ چراکه نشئه‌ی قیامت ظرف به ظهور رسیدن باطن و حقیقت اشیاء است که در عوالم قبلی امکان ظهور نداشت و از اینجا روشن می شود نیت، باطن عمل است و لذا عمل بدون آن، بی معنا و بی محتوا است.

ملّاصدرا نیز نیت را روح عمل، و عمل را به منزله‌ی بدن و کالبد آن می داند (ملّاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ج ۲، ص ۲۰۴) و قائل به حقایق وجودی مختلف برای عمل به ظاهر واحدی که به حسب نیات متفاوتی صورت پذیرفته است می باشد:

«بل نقول من ظن أنه متطهر فعليه أن يصلی فإن صلی ثم تذكّر أنه لم يتوضأ كان له ثواب بفعله فإن تذكّر ثم تركه كان معاقبا و من وجد علی فراشه

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۲۹

امرأة فظن أنها زوجته لم يعص بوطئها و إن كانت أجنبية و إن ظن أنها أجنبية
عصى بوطئها و إن كانت امرأته» (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ص ۲۱۷).

چنان‌که ملاعلی نوری در تعلیقات خود بر تفسیر سوره‌ی یس ملاصدرا، نیت را اصل، حقیقت، کنه و باطن عمل، و عمل را فرع، ثمره، وجه و ظاهر آن می‌داند:
«العمل على شاكلة النية، و النية أصل العمل و حقيقته، و العمل فرع النية
و ثمرته، بل النية هو عين العمل بعينه، و العمل عين النية بعينها؛ إذ منزلة
العمل من النية منزلة الوجه من الكنه، و من هنا يقال: «الظاهر عنوان الباطن»»
(نوری، ۱۳۶۶، ص ۴۲۸).

چنان‌که گفته شد دو کلیدواژه و سرفصل فلسفی مرتبط با بحث نیت، مسئله‌ی «علت غائی» و «اختیار» است. لذا در ادامه، بحث در دو محور ذیل پی گرفته می‌شود:

۷. تحلیل نقش نیت در تشخیص عمل براساس ارتباط آن با علت غائی

نیت عامل، غرض و انگیزه‌ی او از انجام عمل (ساری عارفی، مسعودی، ۱۳۹۷، ص ۹۶؛ مصباح، ۱۳۹۱، ص ۸۳) و به تعبیر دیگر، دلیل و چرایی آن (حسنی، موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴) و به تعبیر فلسفی، علت غائی آن است. بنابراین عمل به ظاهر واحد، به واسطه‌ی نیت متعدد و حتی هم‌زمان، به اعمال متعدد تبدیل می‌شود. به بیان فلسفی، عملی با علل مادی و صوری واحد و فاعلی واحد، با احتساب علل غائی متعدد، تعدد پیدا می‌کند و اختلاف معلول‌ها به سبب اختلاف علل آن‌ها امری واضح است.

در تبیین عمیق‌تر این مطلب باید گفت چنان‌که علامه طباطبایی بیان نموده است (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۲۷۰)، غایتمندی یک عمل به معنای توقف حیثیت صدور، بر غایت و به بیانی عین توقف فاعلیت فاعل بر غایت است و این به معنای تشخیص بخشی علت غائی به عمل و محوریت علت غائی در تشخیص اعمال اختیاری انسان است. به بیان دیگر آنچه علت فاعلی را به سمت استفاده از علت مادی و صوری در راستای تحقق فعل می‌کشاند، همانا علت غائی است و لذا نقش آن در تشخیص عمل پررنگ‌تر و برجسته‌تر از سایر علل است. بنابراین نیت، از طرفی به عنوان فعلی قلبی در سلسله‌ی مبادی فعل اختیاری، معلول و شأن علت فاعلی و از طرفی به عنوان علت غائی فعل، علت علت فاعلی محسوب می‌شود و سرّ عدم استحاله‌ی این دور ظاهری، وحدت مورد تصریح صدرا میان علت غائی و فاعلی است. صدرا در پایان بحث از علت غائی در کتاب اسفار، تحقیق درباره‌ی آن را افضل مباحث حکمی قلمداد می‌کند و مطالب بیان شده حول آن در کتب قوم را غیرمنتج می‌داند و بحث در این‌باره را نیازمند تحقیقی نیکو می‌داند. سپس تفصیلاً وارد این بحث می‌شود که همواره علت غائی حقیقتاً عین علت فاعلی است و میان این دو، صرفاً تغایری اعتباری وجود دارد (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۲۷۰). علامه طباطبائی نیز در اینجا تعلیقه‌ای در مبرهن کردن این

مطلب آورده است و غایتمندی یک فعل را به معنای عدم صدور فعل از فاعل در صورت عدم وجود آن غایت می‌داند و نتیجه می‌گیرد که فعل از حیث صدورش، متوقف بر غایت است و توقف حیثیت صدور بر غایت، عین توقف فاعلیت فاعل بر غایت است. پس غایت نحوه‌ی وجودی دارد که به حسب آن، داخل در ذات فاعل است (طباطبائی، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۲۷۰). صدرا در ادامه، مثال «سیری» را می‌زند و «خوردن» را به اعتباری صادر از آن (البته صادر از تخیل آن) و به اعتباری دیگر، مصدر و منشأ آن می‌داند؛ یعنی سیری به اعتبار وجود علمی، فاعل و علت غائی خوردن است و به اعتبار وجود عینی، غایت و نتیجه‌ی آن است و در ادامه می‌گوید: «فاعلم أن العلة الغائية لا تنفك عن الفاعل و الغاية المترتبة على الفعل أيضاً سترجع إليه بحسب الإستكمال». او در ادامه به صراحت، تقسیم غایت به «ما تنتهی إليه الحركة» و غیر آن را غیرمستقیم و نادرست می‌داند إلا اینکه مراد از غایت در این تقسیم، غایت به حسب ماهیت باشد؛ و نه وجود (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۲، صص ۲۷۱-۲۷۲).

بنابراین بیان، تفکیک غایت از علت غائی به این بیانات که غایت، «ما تنتهی إليه الحركة» است و علت غائی، «ما لأجله الحركة»؛ غایت، مؤخر از فعل است و علت غائی، مقدم بر آن؛ غایت، امری عینی و خارجی است و علت غائی، امری ذهنی و تصویری؛ هرچند در ابتدای امر و از لحاظ تعلیمی، شایسته است، اما تبیین نسبت این دو از لحاظ حقیقت وجودی، نیازمند تدقیق و تحقیقی حکمی است. به بیان دیگر، اگر علت غائی عمل فاعل مختار، تصور و ذهنیتی است که او از غایت دارد، آیا این دو می‌توانند با یکدیگر ارتباط وثیقی نداشته باشند؟ و اساساً تصور غایتی که پیش از حرکت و عمل وجود ندارد، چگونه است؟

ممکن است پاسخ داده شود که این خود غایت است که وجود ندارد؛ ولی تصور و فرض آن، موجود است و فاعل را برمی‌انگیزاند. اما این پاسخ دقیق نیست؛ چراکه بنابر مبنای قویم اتحاد علم و عالم و معلوم، غایت فعل، پیش از فعل، به نحوی موجود است و آلا غایت ناموجود، تصور نیز نمی‌شود؛ زیرا تصور، قسمی از علم و علم، حضور معلوم نزد عالم است و از آنجا که معدوم نمی‌تواند حاضر باشد، معلوم و متصور هم نیست. حال مسئله این است که غایت فعل، پیش از فعل، چگونه وجودی دارد؟ ما چگونه پیش از حرکت، مقصد و غایت آن را تصور می‌کنیم؟ اگر غایت که مطلوب ما از حرکت است، موجود باشد، حرکت در طلب وصول به آن، تحصیل حاصل است.

پاسخ این مسائل را در پاسخ مسئله‌ای کلان‌تر و بنیادی‌تر پی می‌گیریم. اساساً اگر وجود، اولاً وحدت شخصی یا به تعبیر رساتر، وحدت اطلاقی دارد و ثانیاً مساوق با فعلیت است، حرکت چه معنایی دارد؟! به بیان دیگر، فعلیت و ضرورت وجود واحد اطلاقی، جایی برای تصور حرکت به معنای خروج تدریجی از قوه به فعل در نظام هستی باقی نمی‌گذارد. در پاسخ به این مسئله باید گفت حرکت به عنوان یک امر واحد متصل و به بیان دیگر یک وجود ممتد متجدد، جامع میان کثرت و وحدت و تغیر و ثبات است و چنانکه در افق وحدت اطلاقی

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۳۱

وجود، کثرت نه تنها منافی با وحدت نیست بلکه مؤید و مؤکد آن است (سبزواری، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۲۲)، در حرکت نیز با درآمیختن وحدت و کثرت، اطلاق و سعه‌ی نسبی موجود به ظهور می‌رسد. به عبارت دیگر چنان‌که در تعبیر وحدت اطلاق، هم به وحدت اشاره شده است و هم به کثرت (چرا که اطلاق و سعه، عبارت دقیق‌تر کثرت است) و اطلاق، تعبیر دیگر وحدت و تأیید آن و تأکید بر آن است و وحدت نیز تعبیر دیگر اطلاق و تأیید آن و تأکید بر آن است و خلاصه، وحدت عین اطلاق و اطلاق عین وحدت است، در حرکت نیز سریان، سیلان، انبساط و شمول نسبی متحرک ظهور می‌یابد. با این بیان، حقیقت حرکت که تغیر و تنوع در عین ثبات یا همان کثرت در عین وحدت است، در مطلق وجود جریان دارد (انشائی، جوادی، ۱۳۹۹، ص ۸۰) و سعه‌ی آن نسبت به همه‌ی عرصه‌ی هستی است و حرکت، عین هستی و حیات است (پلنگی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). خلاصه آنکه براساس مبنای وحدت اطلاق وجود به‌عنوان مبنای نهایی حکمت متعالیه، حرکت را می‌توان ظهور و بیان سعه‌ی وجود دانست (انشائی، جوادی، ۱۳۹۹، ص ۸۹) و فلسفه‌ی اسلامی در قالب حکمت متعالیه را فلسفه‌ی حرکت و رشد.

مسئله‌ای که اکنون مطرح می‌شود این است که مگر موجود مطلق غیر از وجود واحد اطلاق نیز وجود دارد؟ پاسخ این مسئله، با توجه به بحث کلی اطلاق نسبی ظهور بالاتر در سلسله‌ی تشکیکی ظهورات نسبت به ظهورات پایین‌تر (انشائی، جوادی، ۱۳۹۹، ص ۷۸) و در خصوص بحث ما، اطلاق نفس انسانی یا همان من علوی انسانی مشخص می‌شود. توضیح آنکه «انسان دارای دو «من» است: من سفلی و من علوی؛ بدین معنی که هر فرد یک موجود دو درجه‌ای است؛ در یک درجه حیوان است مانند همه‌ی حیوان‌های دیگر و در یک درجه‌ی دیگر دارای یک واقعیت علوی است. واقعیت وجودی انسان در یک قسمت و در یک درجه، واقعیت حیوانی اوست و در یک درجه‌ی دیگر که بالاتر است و واقعیت انسان بیشتر وابسته به آن است و بخش اصیل‌تر وجود انسان است، واقعیت ملکوتی انسان است.» (مطهری، ۱۳۶۳، صص ۲۰۹-۲۰۷). تعبیر دیگر من علوی، من مطلق است که برخلاف من‌های مقید، من واقعی و اصیل و وجه اشتراک همه‌ی حالات من است (انشائی، معصومی، ۱۳۹۵، صص ۳۹-۳۳). به بیان حکمی دقیق‌تر، نفس انسان، تقرر و تحقق در مقام وجود مطلق یا همان مسبب‌الاسباب دارد که واجد تمام کمالات اطوار مختلف نفس و در واقع واجد حقیقت همه‌ی آن‌هاست. این نحو تحقق را تحقق علوی نفس و به عبارت دیگر، من علوی می‌نامیم که مبنایی اساسی برای بسیاری از مباحث نظری و نیز مباحث ناظر به عمل همچون ادراکات اعتباری، باید و هست و... است (انشائی، جوادی، ۱۳۹۹، ص ۷۵؛ ص ۸۶).

خلاصه آنکه امکان ندارد انسان غایتی را قصد کند که به هیچ نحوی به شخصیت و کیان او ارتباط نداشته باشد (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۰۷)؛ بلکه او همواره درصدد اظهار باطن نفس علوی و سعه‌مند و ابداء کُمون لایه‌مند خود است و توجه به نیت و تمرکز بر آن به عنوان

علت غائی عمل، در واقع تلاش برای دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر و حقیقی‌تر نفس انسانی است.

به بیان بهتر برخلاف دیگر علل چهارگانه، علت غائی نقش مخفی‌تر و باطنی‌تری در تحقق معلول بازی می‌کند و براساس لایه‌مندی عالم و به تعبیر فلسفی، وحدت تشکیکی ظهورات، اولاً هر ظاهری، رقیقه‌ی باطنی است که حقیقت آن است و ثانیاً هر امری هرچه به حقیقت نزدیک‌تر شود، وحدت، کلیت، سعه و اطلاق بیشتری پیدا می‌کند. لذا علت غائی نسبت به سایر علل عمل، اصیل‌تر و حقیقی‌تر و در نتیجه مؤثرتر و مهم‌تر است.

۸. تحلیل نقش نیت در تشخیص عمل با توجه به عنصر اختیار

چنان‌که گفته شد نیت به‌عنوان اولین مبدأ فعل انسان که برخلاف مبادی قبلی، همواره تحت اختیار او است، از طرفی خود، فعلی برخاسته از ذات و معلول آن و در نتیجه هم‌سنخ با آن (حیث معلولی نیت) و از طرف دیگر، مقدمه‌ی اخیر انجام فعلی دیگر (حیث علی نیت) است. بنابراین هویت و تشخیص عمل، کاملاً در گرو حقیقت نیت مختارانه‌ای است که در سلسله‌ی مبادی آن نقش علی را بازی کرده است.

به بیان دیگر، فعل از یک طرف بنابر لزوم سنخیت علی معلولی، کاملاً هم‌سنخ با ذات فاعل است و براساس مبانی حکمت متعالیه در نسبت فعل و ذات به مثابه‌ی شأن و ذی‌شأن، امتداد و تبلور و تجلی ذات است و از طرف دیگر، از آنجا که عنصر اختیار، اقتضای امکان برون‌رفت از یک سلسله‌ی علی معین را دارد، انسان می‌تواند با تغییر نیت خود، سلسله‌ی علی ذات و فعل را دائماً برهم‌زند؛ بدین بیان که از طرفی با تغییر افق ذات، مقام صدور فعل را عوض کند و از طرفی با نقش‌آفرینی در تحقق فعلی متفاوت، این‌بار تأثیری هم از سمت فعل بر ذات فاعل بر جای گذارد.

در توضیح حیث علی باید گفت: نیت، اولین مبدأ همواره اختیاری است و حقیقت اختیار نیز چیزی جز ذاتیدن ذات بدون جبر عاملی خارجی نیست. نیز اختیار صرفاً ابزار رشد نیست؛ بلکه خود رشد است. مقصد و غایت رشد است و ما در مسیر رشد خود، در جست‌وجوی مختارتر شدن و اراده‌مندتر شدن هستیم و کم و کیف اختیارات ما، کم و کیف رشد ما و تحصیل و تدوین ذات ما را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر حضور مختارانه‌ی ما در زندگی است که ذات و شخصیت ما را می‌سازد و بالعکس، حضور منفعلانه و غیرمختارانه و تحت سیطره‌ی طبع یا جبر و قسر عوامل خارجی، مانع رشد است. نیز تلاش برای اختیار امور متعالی، تلاش برای دستیابی به لایه‌های حقیقی‌تر نفس اطلاقی ما و در نتیجه تحصیل و تأصل ذات ما است و بالعکس، اختیار امور دون و در حدّ مثل طبع حیوانی، توقف در مراتب رقیقه‌ی من علوی را در پی دارد. خلاصه آنکه انسان با اختیار خود و تغییر نیاتش در واقع دارد ذات خود را تغییر

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۳۳

و به عبارت بهتر، ارتقاء و به عبارت دقیق‌تر، بروز و ظهور می‌دهد و سعی من علوی و نفس اطلاقی خویش را از بطون و کمون، به ظهور و بقاء می‌رساند.

مسئله‌ی شایسته‌ی تأمل در رابطه با این بیان این است که حیث معلولی نیت، حیث علی آن را زیر سؤال می‌برد. در واقع ترتب علی نیت همواره اختیاری بر مبادی قبلی اضطراری چگونه ممکن است؟ مگر می‌شود معلول یک علت غیراختیاری، اختیاری باشد؟!

در پاسخ باید گفت اختیار چنان‌که برخی پنداشته‌اند به معنای قدرت بر انجام یا ترک فعل یا انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های متعدد و مردد نیست؛ بلکه اختیار چنان‌که از تحلیل مفهومی مشخص است بدین معنا است که چیزی خارج از ذات، ذات را مجبور به انجام فعلی نکند و این منافاتی با ضروری‌بودن صدور فعل از ذات ندارد؛ بلکه اساساً نهایت اختیار که برای خداوند اثبات می‌شود، در نهایت ضرورت محقق است و به عبارت دیگر این‌گونه نیست که خداوند از میان گزینه‌های مردد یکی را برگزیند و به زبان حکمی، اختیار در بالاترین مرتبه‌ی خود که همان وجود اطلاقی است با ضرورت پیوند می‌خورد.

مسئله‌ی لازم به ذکر دیگری که پاسخ آن با بیان مذکور روشن گشت، شبهه‌ی تسلسل در اختیار است؛ بدین تقریر که اختیار یک فعل، خود به عنوان فعلی از افعال نفس، متوقف بر اختیاری دیگر است و این‌گونه سلسله‌ی اختیارات، انتهای نخواستار داشت. در حل این مسئله نیز باید گفت آن چیزی که دافع تسلسل مبادی فعل ارادی است، خود ذات است؛ چراکه چنان‌که گفته شد حقیقت اختیار، چیزی جز ذاتیدن ذات و به تعبیری منیدن من بدون دخالت عامل خارج از ذات نیست.

۹. عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل

در تحلیل مسئله‌ی عاملیت انسان باید گفت توصیف انسان به «عامل» و قائل شدن به «عاملیت» او، کاملاً در گرو تبیین ما از چیستی و تشخیص «عمل» است. به عبارت دیگر، حقیقت عمل انسانی چیست که آن را از سایر حرکات و افعال متمایز می‌کند؟ نقش نیت، قصد و انگیزه‌ی عامل در پاسخ به این مسئله چیست؟

بنابر آنچه در بخش پیش در رابطه با نقش نیت در تشخیص عمل بیان شد، عاملیت انسان به لحاظ کمی و کیفی با نیت او از انجام عمل گره خورده است؛ یعنی اساساً اینکه تا چه اندازه می‌توان عمل را به عامل منتسب دانست و او را متصف به عاملیت نسبت بدان کرد و نیز اینکه دقیقاً عاملیت او نسبت به چه عملی محقق است، در گرو نیت او است.

توضیح آنکه هر فعلی به میزانی که مورد نیت فاعل نباشد و به صورت ناخودآگاه از او سرزند، اولاً علت غائی‌اش خارج از علم و اراده‌ی او است و نیز بدون اختیار او صورت پذیرفته است و بنابراین به همان میزان، انتساب آن به او مخدوش است؛ چراکه چنان‌که تبیین شد نیت عامل، اولاً همان علت غائی عمل او و ثانیاً اولین مبدء همواره اختیاری در سلسله‌ی مبادی

عمل اختیاری او است و لذا به میزان عدم بهره‌مندی فعل از نیت، علت غائی آن غیرمرتبط با فاعل می‌شود و نیز غیر اختیاری می‌شود؛ همچون فاعل بالطبع، بالقسر و بالجبر، که بنا بر متبادر ذهنی عرف عام نیز اطلاق فاعل بر این‌ها خالی از مسامحه نیست و در این‌گونه فواعل، فاعل حقیقی، شیء دیگری همچون شخص قاسر است؛ نه فاعل مجبور.

از جهت کیفی نیز اینکه چیستی نیت فاعل از انجام فعل مشخص می‌کند او با چه مرتبه‌ای از نفس علوی خود پیوند برقرار کرده است و درصدد اظهار چه لایه‌ای از من اطلاقی خویش است و باز با کمک‌گرفتن از دو کلیدواژه‌ی علت غائی و اختیار، باید گفت چیستی نیت مشخص می‌کند عامل با اختیار خود در تلاش برای فراچنگ‌آوردن کدام مرتبه از لایه‌های نفس خویش است که نهایتاً با اختیار هر نیت متمایزی، تجلی متفاوتی از ذات خود بروز می‌دهد و عاملیتی دیگرگون پیدا می‌کند.

۱۰. نتیجه‌گیری

نیت به عنوان اولین فعل همواره اختیاری در سلسله مبادی افعال اختیاری انسان از طرفی و نیز علت غائی عمل او از طرف دیگر، با معین کردن کیفیت ارتباط و اتحاد مختارانه‌ی عامل با لایه‌های نفس اطلاقی خویش، تمام هویت و تشخیص عمل را شکل می‌دهد و بنابراین عاملیت انسان کماً و کیفاً با نیت او از انجام عمل گره خورده است؛ یعنی اساساً اینکه تا چه اندازه می‌توان عمل را به عامل منتسب دانست و او را متصف به عاملیت نسبت بدان کرد و نیز اینکه دقیقاً عاملیت او نسبت به چه عملی محقق است، در گرو نیت او است.

به بیان دیگر براساس مبنای حکمی جسمانیة الحدوث بودن نفس، انسان در مراحل ابتدایی حیات خود، حظّ چندانی از روحانیت و تجرد و فعلیت ندارد. در مراتب بعدی براساس نیت خود که اولین فعل قلبی همواره بهره‌مند از عنصر اختیار در وجود او محسوب می‌شود، با استعمال سایر قوای نفسانی و نیز بدن و براساس حرکت جوهری نفس به تدریج شخصیت خود را می‌سازد. به عبارت دقیق‌تر، توجه به نیت و تمرکز بر آن به عنوان علت غائی عمل، در واقع تلاشی مختارانه برای دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر و حقیقی‌تر نفس انسانی و اظهار باطن لایه‌مند من علوی و سعه‌مند او است که باتوجه به ترتب علی مبادی افعال اختیاری انسان بر مبادی علمی، آنچه بیشترین نقش را در این سیر دارد معرفت حقیقی است و البته طاعات و ریاضات نیز شرط دوام و کمال و ازدیاد معرفت است که در صورت فراوانی و تکرار می‌توانند نقش قابل توجهی را در این زمینه ایفاء کنند.

یادداشت‌ها

نویسندگان هیچگونه تعارض منافی گزارش نکرده‌اند.

منابع

۱. احمدآبادی‌آرانی، نجمه، باقری، خسرو، سرمدی، محمدرضا، و اسماعیلی، زهره. (۱۴۰۰). بررسی انتقادی و بازسازی عاملیت انسان و اصول تربیتی منتج از آن در فلسفه‌ی صدرالمآلهین بر مبنای نظریه‌ی اسلامی عمل، رساله‌ی دکتری تخصصی (PhD). مرکز پیام نور تهران جنوب. دانشگاه پیام نور استان تهران.
۲. اصنامی فریمانی، آرزو، حسینی شاهرودی، سیدمرتضی، و وطن‌دوست، محمدعلی. (۱۴۰۰). بررسی نقش تفکر و نیت در استكمال نفس انسان از دیدگاه حکمت متعالیه، آیات و روایات. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری. دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. انشائی، مهدی (۱۳۹۶). مفهوم یکه، مفاهیم تکه و نقش آن در تبیین اصالت وجود، دوفصلنامه‌ی جاویدان خرد. ۱۴ (۳۱): ۵-۱۹. **Dor: 20.1001.1.22518932.1396.14.31.1.2.۱۹-۵.**
۴. انشائی، مهدی، و جوادی، محسن (۱۳۹۹). تحقق نفس قبل از بدن در نظریه‌ی حدود جسمانی. دوفصلنامه‌ی حکمت صدرایی. ۸ (۲): ۷۵-۹۰. **Dor: 20.1001.1.23221992.1399.8.2.5.2.۹۰-۷۵.**
۵. انشائی، مهدی، و معصومی، سامان (۱۳۹۵). داستان رنج؛ نقد و بررسی مقبولیت رنج از نگاه احساس‌گرایی. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز. ۱۶ (۶۰): ۲۳-۴۶. **Doi: 10.22099/JRT.2016.3902**
۶. باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۹). عاملیت انسان: رویکردی دینی و فلسفی. تهران: واکاوش.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن. (تصحیح جلال الدین محدث). قم: دار الکتب الإسلامیة.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة. (تحقیق احمد عبدالغفور عطّار). بیروت: دارالعلم للملایین.
۹. حسنی، سیدحمیدرضا، و موسوی، هادی (۱۳۹۷)، «انسان‌کنش» شناسی صدرایی به مثابه‌ی ظرفیت‌شناسی مبانی انسان‌شناختی صدرالمآلهین برای علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حسنی، سیدحمیدرضا، و موسوی، هادی (۱۳۹۸). جایگاه‌شناسی حکمت عملی (در جست‌وجوی علوم انسانی). نظارت و تعلیقات علی عابدی شاهرودی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حسنی، قربان، عابدی‌نژاد، امین‌رضا، آذریان، رضا (۱۴۰۱). تبیین فلسفی حقیقت نیت و نقش آن در تکامل اخلاقی انسان با توجه به آیات و روایات. رساله‌ی دکتری تخصصی (PhD). جامعه‌ی المصطفی العالمیة. مدرسه عالی حکمت و دین‌پژوهی. مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره).
۱۲. دارائی، روح‌اله، کرمانی، طوبی، بهشتی، احمد، علیزمانی، امیرعباس، و صادقی، مسعود. (۱۳۹۴). تبیین دیدگاه مآصدرا در باره‌ی فعل ارادی از منظر فلسفه‌ی عمل. رساله‌ی دکتری تخصصی (PhD). دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه تهران.

۱۳۶ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۳، سری ۳، پاییز ۱۴۰۲، شماره ۸۸، صص: ۱۱۷-۱۳۹

۱۳. ذاکری، مهدی (۱۳۹۴). *درآمدی به فلسفه‌ی عمل*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶). *واقعیت و روش تبیین «کنش انسانی» در چهارچوب فلسفه‌ی اسلامی: نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی*. تهران: آفتاب توسعه (ناشر اختصاصی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا).
۱۵. زبیدی، محمد (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. (تحقیق علی شیری). بیروت: دارالفکر.
۱۶. ساری عارفی، معصومه سادات، و مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۷). تبیین نقش نیت در ارزش اخلاقی از منظر مآصدرا. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های فلسفی کلامی*. ۲۰ (۴). ۹۹-۱۱۰.

Doi: 10.22091/PFK.2017.1435.1465

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۹۸۱). *حاشیه بر الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. (تألیف مآصدرا). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). *اصول فلسفه‌ی رئالیسم*. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲). *نهایة الحکمة*، (تحقیق و إعداد مسلم قلی‌پور گیلانی). قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۲۰. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۲). *درآمدی به نظام حکمت صدرائی* (جلد اول): هستی‌شناسی و جهان‌شناسی. (چاپ ششم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی* (ط - الإسلامیة). (تحقیق علی‌اکبر غفاری، و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۳. مصباح، مجتبی (۱۳۹۱). نقش نیت در ارزش اخلاقی. *فصلنامه‌ی تخصصی اخلاق و حیانی*. ۲ (۱).

Dor: 20.1001.1.23833025.1391.2.1.4.4. ۱۰۴-۸۱

۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). *نقدی بر مارکسیسم*. انتشارات صدرا.
۲۵. مآصدرا (بی تا). *التعلیقات لصدرا المتألهین علی الشفاء*. قم: بیدار.
۲۶. مآصدرا (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم* (صدرا). قم: بیدار.
۲۷. مآصدرا (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. مآصدرا (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی* (صدرا). (تصحیح محمد خواجه‌ی). تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۹. مآصدرا (۱۴۲۲ ق). *شرح الهدایة الأثیریة [الأثیرالدین الأبهری]*. بیروت: مؤسسه‌ی تاریخ العربی.
۳۰. مآصدرا (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*. (با حواشی حکیم محقق حاج ملاهادی سبزواری، تعلیق و تصحیح و مقدمه سیدجلال‌الدین آشتیانی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

عاملیت انسان با تأکید بر نقش نیت در تشخیص عمل در چشم‌انداز حکمت متعالیه ۱۳۷

۳۱. ملاًصدرا (۱۳۵۴). *المبدأ والمعاد* (صدر المتألهین). تهران: انجمن حکمت و فلسفه‌ی ایران.
۳۲. ملاًصدرا، (۱۳۶۳ الف). *المشاعر*. تهران: طهوری.
۳۳. ملاًصدرا (۱۳۶۳ ب). *مفاتیح الغیب*. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه‌ی ایران. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۴. نوری، ملاًعلی (۱۳۶۶). *تعلیقات بر تفسیر القرآن الکریم* (صدرا). قم: بیدار.
۳۵. نوری، ملاًعلی (۱۳۸۳). *تعلیقه بر شرح أصول الکافی* (صدرا). تصحیح محمد خواجه‌ی. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۶. یزدان‌پناه، سیدیدالله (۱۴۰۱). *چیستی و نحوه‌ی وجود فرهنگ: نگرشی نوین به فلسفه‌ی فرهنگ*. قم: کتاب فردا.

References

1. Ahmadabadi A. N., Bagheri, Kh., Sarmadi, M. R., & Esmaili, Z. (2021). *Critical review and reconstruction of human agency and educational principles resulting from it in the philosophy of Sadr al-Mutalehin based on the Islamic theory of action*. PhD thesis. South Tehran. Payam Noor University. [In Persian]
2. Anscombe, G.E.M. (1957). *Intention*. Oxford: Blackwell.
3. Asnami Farimani, A., Hosseini Shahroudi, S. M., & Watandoost, M. A. (2021). *Investigating the role of thinking and intention in the perfection of the human soul from the perspective of transcendental wisdom, verses and traditions*. Master's thesis. Shahid Motahari Faculty of Theology and Islamic Studies. Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]. **Dor: 20.1001.1.22518932.1396.14.31.1.2**
4. Bagheri Nuovparast, Kh. (2021). *Human Agency: A Religious and Philosophical Approach*. Tehran: Vakavesh. [In Persian]
5. Barqi, A. I. M. I. Kh. (1899). *al-Mahasen*. (Corr. by J. Muhaddith). Qom: Dar al-Kutub al-Islami. [In Arabic]
6. Daraei, R., Kermani, T., Beheshti, A., Alizmani, A. A., & Sadeghi, M. (2015). *Explaining Mullasadra's point of view about volitional action from the perspective of practical philosophy*. PhD thesis. Faculty of Theology and Islamic Studies. Tehran University. [In Persian]
7. Davidson, D. (1980). *Essays on Actions and Events*. Oxford: Clarendon Press.
8. Enshaei, M. (2017). The concept of one, the concepts of piece and its role in explaining the Principality of existence. *Javidan Kherad*. 14(31). 5-19. [In Persian]. **Dor: 20.1001.1.22518932.1396.14.31.1.2**
9. Enshaei, M., & Javadi, M. (2020). The realization of the self before the body in the theory of physical occurrence. *Hikmat Sadraei*. 8(2).75-90. [In Persian]. **Dor: 20.1001.1.23221992.1399.8.2.5.2**
10. Enshaei, M., & Masoomi, S. (2016). The Story of Suffering; Criticism of acceptance of suffering from the point of view of emotionalism. *Journal of Religious Thought*. 16(60). 23-46. [In Persian]. **Doi: 10.22099/JRT.2016.3902**
11. Firozabadi, M. I. Y. (1994). *Al-Qamoos al-Muhit*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya. [In Arabic]

12. Ginet, C. (1990). *On Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Goldman, A. (1970). *A Theory of Human Action*. New York: Prentice Hall.
14. Goldman, A. (1971). The Individuation of Action. *Journal of Philosophy*. - (68). 761-774.
15. Hasani, Gh., Abedinejad, A. R., & Azarian, R. (2022). *Philosophical explanation of the truth of intention and its role in the moral evolution of man according to the verses and traditions*. PhD thesis. Al-Mustafa Al-Alamiyya Society. High School of Wisdom and Religious Studies. Imam Khomeini Higher Education Complex (RA). [In Persian]
16. Hasani, S. H. R., & Mousavi, H. (2018). *Human Actology of Sadra philosophy Capacity Assessment of Anthropology of Sadra for Social Sciences*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [In Persian]
17. Hasani, S. H. R., & Mousavi, H. (2019). *After Practical Wisdom: The Pursuit of Sicial Sciences and Humanities*. Revised and commented by Ali Abedi Shahroudi. Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (SAMT). Qom: Research Institute of Hawzeh and University. [In Persian]
18. Hornsby, J. (1980). *Actions*. London: Routledge and Kegan Paul.
19. Johari, I. I. H. (1958). *Sahaha: Taj al-Logha and Sehad al-Arabiya*. (Re. by A. A. Gh. Attar). Beirut: Dar al-Alam for the Muslims. [In Arabic]
20. Kulayni, M. I. Y. (1986). *Al-Kafi*. (Islamic Edition). (Re. by A. A. Ghaffari & M. Akhundi). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Arabic]
21. Mesbah, M. (2013). The Role of Intention in Moral Value. *Akhlaq Vahiani Specialized*. 2(1).81-104. [In Persian]. **Dor: 20.1001.1.23833025.1391.2.1.4.4**
22. Motahhari, Mortaza, (1984), *Criticism on Marxism*, Sadra Publications. [In Persian]
23. Mulla Sadra (n.d). *Commentaries for Sadr al-Mutaalehin on al-Shifa*. Qom: Bidar. [In Arabic]
24. Mulla Sadra (2004). *Commentary on the principles of al-Kafi (Sadra)*. (Ed. by M. Khajawi). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Arabic]
25. Mulla Sadra (1981). *Al-Hikama al-Mutaaliyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Fourth*. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
26. Mulla Sadra (1375). *Al-Mabda and Al-Maad (Sadr al-Mutaalehin)*. Tehran: Iranian Society of Hikmat and Philosophy. [In Arabic]
27. Mulla Sadra (1384 a). *Mafatih al-Ghaib*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education. Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran. Institute of Cultural Studies and Research. [In Arabic]
28. Mulla Sadra (1384 b). *Al-Mashaer*. Tehran: Tahouri. [In Arabic]
29. Mulla Sadra (2001). *Sharh al-Hudaiya al-Atheeriya [by Athir al-Din al-Abhari]*. Beirut: Est.
30. Mulla Sadra (1981). *Al-Shawahed al-Roubiyyah in al-Manahej al-Soloukiyyah*. (With the notes of M. H. Sabzevari, suspension and corr. and intr. by S. J. Ashtiani). Tehran: University Publishing Center. [In Arabic]
31. Mulla Sadra (1987). *Tafsir al-Qur'an al-Karim (Sadra)*. Qom: Bidar. [In Arabic]

32. Nouri, M. A. (1987) *Notes on Tafsir al-Qur'an al-Karim (Sadra)*. Qom: Bidar. [In Arabic]
33. Nouri, M. A. (2004). *Suspension on the Description of Alkafti (Sadra)*. Correction of Muhammad Khajawi. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [In Arabic]
34. Oboudiyyat, A. R. (2013). *An Introduction to Mulla Sadra's Theosophical System (Vol. 1): Ontology and Cosmology*. (6th edition). Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
35. Rafiei Atani, A. A. (2017). *Reality and the Method of Explaining "Human Action" in the Framework of the Islamic Philosophy: A Fundamental Theory in the Humanities*. Tehran: Aftab Tehseh (exclusive publisher of Sadra Islamic Humanities Research Center). [In Persian]
36. Ruben, D. H. (2003), *Action and Its Explanation*. 1st ed. Oxford, New York: Clarendon Press. Oxford University Press.
37. Sari Arefi, M. S., & Masoudi, J. (2018). Explaining the role of intention in moral value from the perspective of Mullasadra. *Theological Philosophical Research*.20(4). 91-110. [In Persian]. **Doi: 10.22091/PFK.2017.1435.1465**
38. Tabatabaei, S. M. H. (1981). *A Margin on Al-Hikmah Al-Mutalayiya in Al-Asfar Al-Aqliyyah Al-Qudrah*. Compiled by Mullasadra. Beirut: Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi. [In Arabic]
39. Tabatabaei, S. M. H. (2008). *Principles of the Philosophy of Realism*. Qom: Bostan Kitab Institute (Islamic Propaganda Office Publishing Center. Qom Seminary). [In Persian]
40. Tabatabaei, S. M. H. (2013). *Nahayah al-Hikmah, research and preparation by Muslem Qolipour Gilani*. Qom: seminaries management center. [In Arabic]
41. Yazdan Panah, Seyyed Yadullah, (2022), *What and how culture exists: a new approach to the philosophy of culture*, Qom: Ketab Farda. [In Persian]
42. Zakeri, M. (2015). *Philosophy of Action: An Introduction*. Tehran: Organization for the study and compilation of humanities books of universities (SAMT). Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. [In Persian]
43. Zubeidi, M. (1993). *Taj al-Arus Men Javaher al-Qamous*. (Re. by A. Shiri). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]